

گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران

محمدحسن خادمزاده*

غلامحسین معاریان**

کامیار صلواتی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۸

چکیده

منطقه کردستان ایران، یکی از مناطقی است که از لحاظ مطالعه و نوع تحلیل معماری، به‌خصوص در دوره اسلامی، به‌شدت مغفول مانده است. شناخت مساجد این منطقه می‌تواند درکی عمیق‌تر از وضعیت معماری ایران در این دوران به‌دست دهد. هدف نوشتار پیش رو، معرفی ویژگی‌های این مساجد و دسته‌بندی آن‌ها بنا به خصوصیات کالبدی‌شان یا به‌عبارتی گونه‌شناسی این مساجد براساس اجزای فضایی یا کالبدی آن‌هاست. نوشتار پیش رو، با مطالعه و مرور ۲۷ مسجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان، به‌دسته‌بندی، شناسایی خصوصیات و درنهایت، گونه‌شناسی مساجد این منطقه خواهد پرداخت. بدین‌منظور، در ابتدا، به تعریف اندام‌ها که در معماری مساجد این منطقه حائز اهمیت هستند، پرداخته خواهد شد و سپس به‌ترتیب از ساده‌ترین و بنیادی‌ترین الگو تا پیچیده‌ترین الگوهای موجود در این مساجد، به‌تفکیک براساس نوع ترکیب اجزای کالبدی‌شان معرفی خواهد شد. در ذیل این معرفی‌ها، رابطه هرگونه با گونه‌های ساده‌تر پیشین بررسی و نشان داده خواهد شد که این گونه‌ها در رابطه‌ای مشخص با یکدیگرند. شبستان ستون‌دار بنیادی‌ترین الگوی این مساجد است، تقریباً در همه نمونه‌ها و گونه‌ها همچنان حضور دارد و با نظمی قابل‌فهم بسط می‌یابد. راهرو و ایوان، به‌خصوص ایوان‌های رو به قبله، با افزودن به شبستان آن را گسترش می‌دهند. این مساجد گونه اصلی اول مساجد منطقه کردستان هستند. گونه دوم دارای حیاط مرکزی و ترکیبی از الگوهای مساجد گونه اول و مساجد مرکز ایران است. در این مساجد، حجره‌هایی که در گونه اول در راهروهای پیرامون شبستان ستون‌دار قرار داشتند، به‌سبب حیاط مرکزی منتقل شده‌اند. این دو گونه دارای زیرگونه‌هایی هستند که تفاوتشان در مواردی مانند تعداد یا وجود و عدم وجود ایوان‌ها و راهروهاست. درنهایت، به‌منظور نظم‌بخشیدن به اطلاعات و تحلیل‌های انجام‌شده، گونه‌بندی‌ای انجام شده که در قالب یک جدول جامع، در انتهای پژوهش، گرد هم آورده شده است.

کلیدواژه‌ها:

معماری مساجد کردستان، مساجد سنج، مساجد کرمانشاه، گونه‌شناسی مسجد.

* استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

** استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، Kamyar.salavati@ut.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. مساجد منطقه کردستان به‌طور کلی دارای چه ویژگی‌های کالبدی بارزی است؟
۲. از نظر کالبدی، این مساجد را می‌توان به چه گونه‌هایی تقسیم کرد؟

مقدمه

معماری تاریخی منطقه زاگرس غربی و به‌طور خاص معماری حوزه فرهنگی کردستان، به‌عنوان یک حوزه مستقل از نظر خصوصیات معماری، تاکنون چندان موردتوجه پژوهشگران قرار نگرفته است. این غفلت، درباره معماری دوران اسلامی این ناحیه تشدید می‌شود؛ زیرا معماری دوره اسلامی را بیشتر در بخش‌هایی از ایران جست‌وجو کنند که با صفت ایران مرکزی شناخته شده‌ترند. غفلت از معماری این منطقه و به‌طور کلی، نواحی غیر از حوزه کوپری و دشتی، منجر به ناقص شدن نسبی درک محققان از کلیت معماری ایران در دوره اسلامی شده است.

جزئیات اجرایی، تزیینات و سایر موارد موجود در الگوی این بناها که گاه حتی به مرحله شناخت و مستندنگاری نیز نرسیده‌اند، چندان با تحلیل‌های رایج و تعمیم‌یافته درباره معماری ایران سازگار نیست. این درک ناقص، به‌صورت احکامی کلی درباره معماری ایران انجامیده که روایی‌اش در مناطقی خاص، مانند نواحی کوهستانی یا نواحی ساحلی، با تردیدهای جدی مواجه است. مساجد به‌عنوان یکی از معدود کاربری‌هایی که خاص دوره اسلامی‌اند نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بدیهی است که شناخت بیشتر معماری شهرها و حوزه‌های فرهنگی که دور از سیطره حکومت‌های مرکزی دست به ساخت بناهای خود می‌زدند، می‌تواند درکی گسترده‌تر و عمیق‌تر از تاریخ معماری به ما عطا کند. همان‌طور که راپاپورت نیز در اثر معروف خود، فرم، خانه و فرهنگ بیان می‌دارد (Rapaport 1969, 1)، تاریخ و تئوری معماری به‌طور سنتی و رایج، معطوف به مطالعه بناهای یادمانی و شناخته شده است؛ و نیک می‌دانیم که این‌گونه آثار تنها بخشی بسیار کوچک از آثار معماری ساخته شده در هر زمان هستند. از آنجایی که مساجد این منطقه عموماً جزو بناهای حکومتی، نفیس یا یادمانی نیستند، جزو آن دسته آثار کمتر دیده شده اما پراهمیتی‌اند که چندان موضوع تحقیق نبوده‌اند.

هنوز هم «نگاه به مرکز» در مطالعه تاریخ معماری ایران، در کتب و منابع تحقیقی و آکادمیک این حوزه مسلط است. برای مثال، در کتاب‌های مستشرقین و برخی نویسندگان داخلی درباره معماری ایران نقش معماری بومی اندک است. پوپ، در کتاب خود، معماری ایران، جز در بررسی معماری سلطنتی ساسانیان، به هیچ‌یک از شهرهای این حوزه فرهنگی اشاره نمی‌کند (پوپ ۱۳۷۰). کیانی در کتاب معماری ایران در دوره اسلامی (۱۳۸۴) جز ذکر چند نام در جداولی که در انتهای هر فصل آمده، اشاره‌ای به مساجد و سایر بناهای این حوزه فرهنگی ندارد. در تمام مجموعه گنج‌نامه نیز، جز مساجد جامع مهاباد، کرمانشاه و سنندج و همچنین مسجد عمادالدوله کرمانشاه، اشاره‌ای به دیگر مساجد این ناحیه به چشم نمی‌خورد (حاجی قاسمی ۱۳۸۳ الف و ب، ۱۳۸۳). چنین وضعیتی را می‌توان در کتاب سبک‌شناسی معماری ایران نیز مشاهده کرد (پیرنیا ۱۳۸۹). طبعاً آثاری که به حوزه‌هایی کلی‌تر مانند معماری جهان اسلام می‌پردازند نیز خالی از چنین اشاراتی هستند.

هرچند این کمبود در مطالعات موردی و پژوهش‌های موضوعی نیز تا حد قابل توجهی صادق است، تحقیقاتی درباره مساجد این ناحیه انجام شده است. کریمیان به مطالعه تاریخچه مسجد دارالاحسان سنندج از روی مکتوبات و مستندات تاریخی دست زده است (کریمیان ۱۳۷۴). او همچنین در تحقیقی دیگر، به جمع‌آوری نام معماران و استادکاران سنتی سنندج پرداخته است که می‌تواند در شناخت ریشه برخی الگوهای موجود در مساجد شهر راهگشا باشد (همو، ۱۳۷۶). یکی دیگر از تحقیقات انجام شده در این باره، مقاله بهمن فریور درباره تاریخچه مساجد موسوم به «عبداللهی» است که نویسنده تحقیق بر این نظر است که این مساجد به دوره صدر اسلام بازمی‌گردند (فریور ۱۳۸۰، ۵۷۵-۵۸۸)؛ با این حال، این مقاله کمتر مجال پرداختن به تحلیل معماری می‌یابد و خصوصیات کلی آن را مختص به مساجد عبداللهی می‌شمرد.

درخصوص اکثر مساجدی که با قطعیت می‌دانیم مربوط به سده‌های اخیر است، نیز صدق می‌کنند. نزدیک‌ترین تحقیق به موضوع موردنظر ما، پژوهش اخیر زارعی روی مساجد محلی شهر سنندج در دوره قاجاریه است که در آن، او براساس مطالعه مساجد کوچک محلی قاجاری سنندج، دست به انجام یک گونه‌شناسی زده است (زارعی ۱۳۹۴). او سبک این مساجد را «سبک سنندجی» می‌داند؛ حال آنکه چنان که خواهیم دید، الگوی این مساجد تنها مختص به سنندج نیستند. زارعی در مقاله‌ای دیگر (Zarei 2010)، با تعریف «سبک کردستانی»، این مساجد را ذیل آنان جای داده است. در این مقاله، طبق آنچه در مقدمه مقاله آمده است (Ibid, 30) هدف نویسنده پیشنهاد دادن سبک کردستانی به‌عنوان سبک هفتم معماری ایرانی، در ادامه سبک‌های پیرنیاست. زارعی در این مقاله، تمرکز خود را بر مساجد سنندج و شهرها و روستاهای اطراف سنندج معطوف کرده و با مقایسه پلان مساجد آن ناحیه با معماری مسکونی و خانه‌های کردستان، دست به تعریف یک گونه‌شناسی زده است که گونه‌های آن چنین است: تک‌ایوانی شمالی، تک‌ایوانی جنوبی، دو ایوانه با ایوان‌های جنوب و شرقی، بدون ایوان (Ibid, 36). همان‌طور که مشاهده می‌شود، بنا به نوع گزینش نمونه‌ها در تحقیق زارعی و دامنه جغرافیایی محدودتر تحقیق در آن، «ایوان» مبنای اصلی گونه‌شناسی اوست و اندامی مانند شبستان یا حیاط در آن جای ندارند؛ باین‌حال، چنان که خواهیم دید، در حوزه گسترده‌تر مناطق کردنشین یعنی در کرمانشاه، سنندج و آذربایجان غربی، این اندام با تغییرات خود در گونه‌های مختلف تأثیری مستقیم بر سایر اندام‌ها مانند ایوان و حجره‌ها نیز می‌گذارند. هرچند پژوهش زارعی به موضوع موردبحث ما بسیار مرتبط است، قصد ما در این تحقیق، بررسی جامع‌تر مساجد کل حوزه فرهنگی کردنشین در غرب ایران تا انتهای دوره قاجار و یافتن ارتباطات احتمالی میان گونه‌های مختلف این مساجد براساس اندام‌های آن‌هاست.

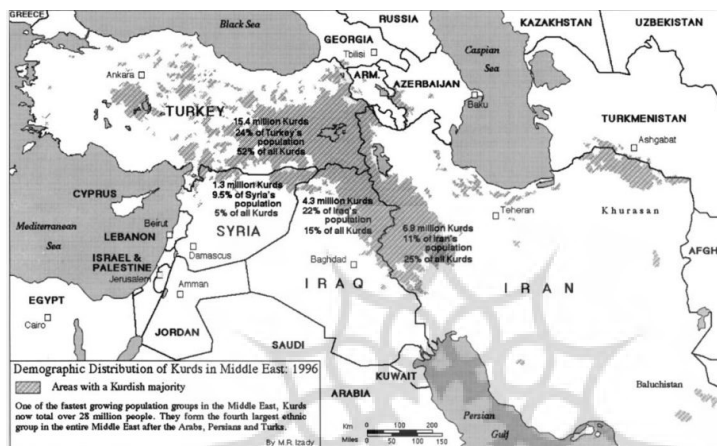
با علم به این اوضاع، هدف تحقیق پیش رو، مطالعه تحلیلی و صوری مساجد مناطق کردنشین غرب ایران است؛ مطالعه‌ای که در نهایت منجر به ایجاد فهم جدید، منضبط و ساختارمندی از گونه‌های مختلف مساجد منطقه کردستان و غرب ایران شود و به‌دسته‌بندی مدون و روشن این جنبه مغفول از معماری ایران بپردازد.

برای انجام این پژوهش، ۲۷ مسجد در حوزه جغرافیایی فرهنگی کردستان ایران مورد مطالعه قرار گرفته است که اکثر آن‌ها متعلق به دوره قاجاریه هستند. باین‌حال، این تحقیق، مساجدی از دوره صفویه، نادرشاه و در یک مورد احتمالاً صدر اسلام را نیز در بر می‌گیرد. برای تحلیل بهتر برخی از مساجد که نقشه‌شان یافت نشد (مانند مسجد عبدالله‌بن عمر و پالنگان)، طرح‌واره‌هایی از مسجد برداشت شده است تا بتواند در مطالعه و تحلیل بهتر الگوی مسجد به کار آید. بدین ترتیب، می‌توان گفت که این پژوهش با استفاده از راهبردهای دسته‌بندی و به‌طور خاص، روش گونه‌شناسی معماری با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای و بازدیدهای میدانی، در پی دست یافتن به پاسخ پرسش پژوهش است. پیش از پرداختن به بحث اصلی و پس از معرفی کلی مساجد کردستان، برای مشخص کردن منطق گونه‌شناسی و روشن‌تر شدن مفاهیم، به مرور و بازتعریف برخی واژه‌های مورد استفاده، با توجه به نمونه‌های مورد بحث خواهیم پرداخت. در ادامه، انواع مختلف الگوهای تکرارشونده در معماری مساجد کردستان را شرح داده و در نهایت، آن‌ها را دسته‌بندی کرده و در ضمن تلاش خواهیم کرد که روابط میان این گونه‌ها را روشن کنیم.

۱. مناطق کردنشین ایران

پیش از آنکه به بحث گونه‌شناسی مساجد کردستان بپردازیم، باید در پی پاسخ به این سؤال باشیم که مقصود ما از کردستان کجاست تا پس از آن، بتوانیم مساجد این منطقه را نیز برگزینیم. در ایران، محدوده زیست کردها، استان‌های کردستان، کرمانشاه، بخش‌هایی از استان آذربایجان غربی و همچنین بخش‌هایی از استان خراسان شمالی را در بر می‌گیرد. اکنون کردها در میان چهار کشور ایران، ترکیه، عراق، سوریه و بخشی از آذربایجان و ارمنستان پراکنده شده‌اند و بخش قابل توجهی از کردها در بین‌النهرین می‌زیند (Nebez 2004, 7). کردها در هر جایی که می‌زیند، مراسمی مانند نوروز را به‌جا می‌آورند (Gunter 2009, xxix). زبان کردها شاخه‌ای از زبان ایرانی است؛ اما فارسی نیست (Nebez 2004, 47). از آنجایی که کردهای خراسان در دوره صفویه و از دوران شاه اسماعیل و سپس جانشینان او، برای دفاع در مقابل ازبک‌ها به آن منطقه کوچانده شده‌اند (توحیدی ۱۳۶۶، ج. ۱: ۲۵)، جامعه‌ای مهمان به‌شمار می‌رفتند، تا حد

قابل توجهی در فرهنگ جامعه میزبان خود مستحیل شده‌اند، و نیز از نظر شرایط جغرافیایی و اقلیمی- که تأثیری پررنگ بر معماری دارد- در شرایط متفاوتی هستند، از این مطالعه کنار گذاشته شده‌اند. این شرایط جغرافیایی بیش از هرچیز، با کوهستان- به‌ویژه کوه‌های زاگرس- شناخته می‌شود.



تصویر ۱: پراکنندگی کردها (Gunter 2009, xxi)

۲.۱. محدوده جغرافیایی و تاریخی نمونه‌های تحقیق

در این تحقیق، مساجد تاریخی سه استان عمده کردنشین، یعنی آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه مورد بررسی قرار گرفته است. این منطقه، مساجد شهرهایی چون سنندج، کرمانشاه، سقز، مهاباد، و روستاهایی چون پالنگان، ریجاب (ریژاو)، تورجان، و خسروآباد را در بر می‌گیرد. منطقه مورد مطالعه از شمال به مهاباد، از شرق به کرمانشاه، از غرب به ریجاب، و از سمت شمال غربی به سنندج محدود است؛ این محدوده تقریباً با محدوده تعریف شده برای کردستان ایران در بخش ۱ منطبق است. محدوده تاریخی تحقیق حاضر نیز تا انتهای دوران قاجاریه تعریف شده است؛ یعنی کمابیش تا پیش از دورانی که ساخت‌وساز با شیوه‌ها و مصالح و الگوهای متأثر از تحولات مدرن در ایران آغاز می‌شود.


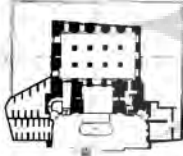
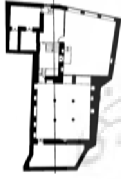
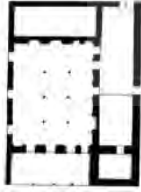
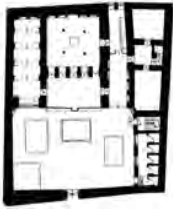



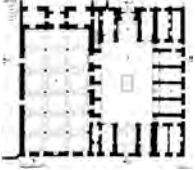
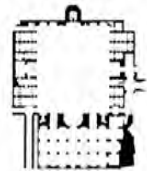
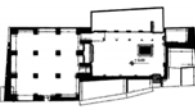
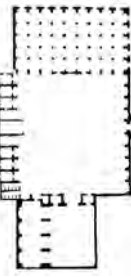

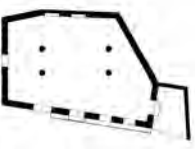

تصویر ۲: شهرها و روستاهایی که مساجد آن‌ها بررسی شده‌اند

۲.۲. نمونه‌های مطالعه‌شده

در جدول ۱، همه نمونه‌های مورد مطالعه و اندام اصلی این مساجد گرد هم آمده است.^۱ این جدول شامل نام مساجد، شهر یا روستایی که شهر در آن واقع است، اندام آن و پلان آن مسجد است. جدول شامل ۲۷ نمونه‌ای است که برای انجام تحقیق بررسی شده‌اند. این بررسی‌ها معطوف به مشاهده از طریق بازدید میدانی، بررسی پلان و تصاویر آن مساجد هستند. جهت‌گیری تمام پلان‌ها هم در این جدول، هم در متن مقاله به سمت شمال شرقی است؛ یعنی سمت پایینی پلان‌ها رو به قبله است.

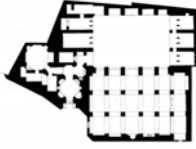

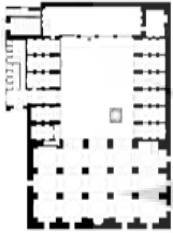


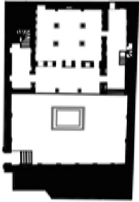
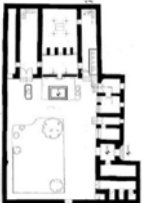
جدول ۱: مشخصات تمامی مساجد مورد مطالعه در تحقیق

نام مسجد	شهر/ روستا	شیستان	ایوان	گنبدخانه	راهروی جانبی	حجره	حیاط مرکزی	ملاحظات	پلان / تصویر ^۲
۱. دارالاحسان	سنندج	*	*	-	-	*	*		
۲. دارالامان ^۳ (بخشی از آن تخریب شده)	سنندج	*	*	-	*	-	-		
۳. قوله	سنندج	*	-	-	-	-	-	در دوران پهلوی، تغییراتی در آن اعمال شده است.	
۴. جامع	تورجان	*	*	-	*	-	-		
۵. وزیر	سنندج	*	*	-	*	*	-		
۶. جامع	آویهنک	*	*	-	*	*	-		

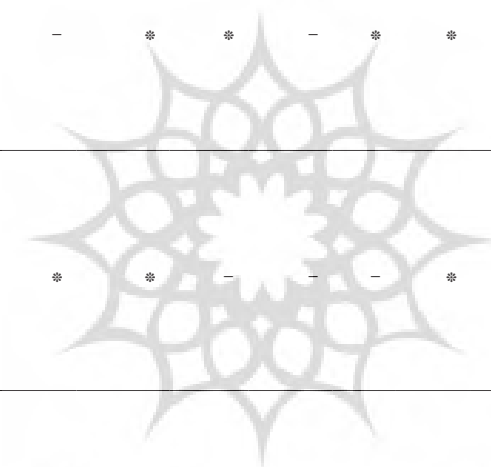
نام مسجد	شهر/ روستا	شیستان	ایوان	گنبدخانه	راهروی جانبی	حجره	حیاط مرکزی	ملاحظات	پلان / تصویر ^۲
۷. سور (جامع) ^۴	مهاباد	*	-	-	-	*	*		
۸. عمادالدوله	کرمانشاه	*	*	-	-	*	*		
۹. بنکدارها	کرمانشاه	*	*	-	-	*	*		
۱۰. جامع (چهل ستون)	کرمانشاه	*	-	-	-	-	-	از آنچه اکنون باقی مانده، تنها شیستان آن تاریخی است. ایوان و مناره‌های آن در دهه‌های اخیر ساخته شده‌اند.	
۱۱. جامع	خسروآباد	*	*	-	-	*	-		
۱۲. جامع	پالنگان ^۵	*	-	-	-	-	-		
۱۳. عبدالله بن عمر	ریجاب	*	-	-	-	-	-		



مطالعات معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۱ - بهار و تابستان ۹۶
۱۰۸

نام مسجد	شهر/ روستا	شبستان	ایوان	گنبدخانه	راهروی جانبی	حجره	حیاط مرکزی	ملاحظات	پلان / تصویر ^۲
۱۴. معتمد	کرمانشاه	*	-	-	-	*	*		
۱۵. دولتشاه (آل آقا)	کرمانشاه	*	-	-	-	-	-		
۱۶. سازده	کرمانشاه	*	-	-	-	*	*		
۱۷. دومناره	سقز	*	*	-	*	*	-	دارای محرابی نرده‌ای در ایوان جنوبی	
۱۸. شیخ مظهر	سقز	*	*	-	*	-	-	دارای محرابی نرده‌ای در ایوان جنوبی	
۱۹. خورشیدخانم لقا	سنندج	*	*	-	*	*	-	مهرتابی در طبقه بالا	
۲۰. مولانا	سنندج	*	*	-	*	*	-		

نام مسجد	شهر/ روستا	شبستان	ایوان	گنبدخانه	راهروی جانبی	حجره	حیاط مرکزی	ملاحظات	پلان / تصویر ^۲
۲۱. عبدالله بیگ	سنندج	*	*	-	*	*	-		
۲۲. رشید قلعه بیگی	سنندج	*	*	-	*	*	-		
۲۳. حاج شهبازخان	کرمانشاه	*	-	-	-	*	*		
۲۴. نواب (شماری از حجره های حیاط آن تخریب شده اند)	کرمانشاه	*	-	-	*	*	-		
۲۵. میرزا فرج الله	سنندج	*	*	-	*	*	-		
۲۶. سمیران	سنندج	*	*	-	*	*	-		
۲۷. ملا احمد قیامتی	سنندج	*	*	-	*	*	*		



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۱ - بهار و تابستان ۹۶

۱۱۰

۳. مروری بر تعریف مفهوم گونه‌شناسی

واژه‌نامه پیشرفته آکسفورد، گونه را «طبقه یا گروهی از مردم یا اشیا» می‌داند که در آن‌ها «کیفیات مشخص یا ویژگی‌هایی که متعلق به یک گروه بزرگ‌تر است» یکسان است (Type 2017). تفکر گونه‌شناسانه به «کلیت» و «روابط گوناگون میان اشیا» می‌پردازد، چه تمایزات میان آن شیء‌ها و چه خصوصیتی که بینشان هماهنگ است (Ungers 1985, 93). گونه به‌مثابه یک موضوع مهم در مباحث نظری معماری مطرح بوده و بسیاری از صاحب‌نظران معماری به آن پرداخته‌اند (معماریان ۱۳۹۵).

اگرچه اصطلاح «گونه» کارکردی نسبتاً جدید در حوزه ادبیات معماری دارد، «ایده» گونه را می‌توانیم تا نگاشته‌های ویتروویوس عقب‌تر ببریم (Ibid, 117). در قرن هجدهم، لژی^۶ با الهام از علوم زیستی، «کلبه‌های مدور ابتدایی» را گونه بنیادی معماری انگاشت و اندکی پس از او، کوآثرمیر ده‌کویبسی^۷ برای اولین بار، اصطلاح گونه را در معماری به کار برد و به کمک نظریه مثل افلاطون، هنر و معماری را نیز تقلیدی از طبیعت دانست و به تبیین مقصود خود از این اصطلاح دست زد که خود پیوندی با نظریه لژی داشت (Madrazo 1995, 180). درحقیقت، مفهوم گونه یا «تیپ» در نظر این دو نظریه‌پرداز، همچنان فاصله‌ای فراوان با دریافت و مقصود ما از گونه‌شناسی دارد.

دوران^۸ که خود را نظریه‌پردازی عمل‌گرا می‌دانست، با تشکیک در نظریات این دو، تلاش کرد که گونه‌ها را اساسی برای سیستماتیک کردن درک از بناها قرار دهد و با بیانی گرافیکی، در قالب مباحث زمان خود که معطوف به معماری گذشته و چگونگی ارتباط یافتن آن با آن دوره بود، کوشید تا به مطالعه ویژگی‌های مشترک معماری گذشته بپردازد و بنیانی برای چگونگی طراحی بنا کند. او در ادامه آرمان رنسانسی «وحدت هنر و علم»، در پی ارائه خوانشی علمی از معماری بود. او در کار خود، به ترکیب‌بندی عناصر معماری و تقلیل و تجزیه طرح معماری به اجزای ساده تشکیل‌دهنده‌اش، و در نتیجه بازتعریف آن‌ها در قالب طرح‌های جدید می‌پرداخت (Gunev 2009, 14; Madrazo 1995, 207). در قرن بیستم نیز نظریه‌پردازی چون آلدو روسی به گونه‌شناسی معماری پرداخته‌اند. می‌توانیم این گونه‌ی پنداریم که در ابتدایی‌ترین لایه‌های معنای گونه‌شناسی، تلاش بر شناخت، دسته‌بندی و طبقه‌بندی موضوعات مورد مطالعه (در اینجا بناها) است که برحسب ویژگی‌های مشترک، که معمولاً معطوف به ویژگی‌های شکلی اثر است، انجام می‌شود.

دمینگ^۹ و سوافیلد^{۱۰} گونه‌شناسی را «مطالعه سیستماتیک گونه‌ها» می‌دانند که نوعی تمهید مبتنی بر رده‌بندی^{۱۱} محسوب می‌شود. به نظر آن‌ها، «مطالعه الگوها و [نمونه‌های] متقدم-چه از نظر تاریخی، چه زیستی، چه صنعتی یا هر نوع دیگری از تقدم-به گونه‌شناسی فرم، شکل، ساختار، نظم، وابستگی، مصالح، تکنیک ساخت» یا هر نوع دیگری از گونه‌شناسی کمک ارزنده‌ای می‌کند. نیز در نظر آنان «گونه‌شناسی تلاشی برای دسته‌بندی کردن و نظم دادن به گستره‌ای از اشکال و اجزای طراحی شده مشابه اما متغیر است. ویژگی‌های گونه‌شناسانه یعنی مبنایی که گونه‌شناسی براساس آن انجام می‌گیرد، می‌تواند بسیار مختلف و متنوع باشد. شناسایی و توصیف (دیاگرامی کردن) کیفیات و ویژگی‌های خاص به محقق این امکان را می‌دهد تا در مقیاس‌های مختلف الگوهای وابستگی سلسله‌مراتبی تعریف را کند که بر عناصر و اجزای طراحی شده معطوف‌اند» (Deming & Swaffield 2011, 133). مبنای ما برای گونه‌شناسی در تحقیق حاضر، تبیین دمینگ و سوافیلد از گونه‌شناسی است.

می‌توان از آنچه دمینگ و سوافیلد نوشته‌اند چنین نتیجه‌گیری کرد که اولاً در گونه‌شناسی نوعی سلسله‌مراتب که می‌تواند مبتنی بر تقدم-نه لزوماً تقدم تاریخی- باشد وجود دارد، دوم آنکه گونه‌شناسی می‌تواند از جنبه‌های مختلفی انجام گیرد، سوم آنکه میزانی از ارتباط و تشابه در عین نیاز به تفاوت برای انجام گونه‌شناسی لازم است، و چهارم آنکه توصیف ساده شده (دیاگرامی) از موضوعات مورد مطالعه می‌تواند شیوه‌ای بسیار کارآمد برای انجام گونه‌شناسی محسوب شود. در این تحقیق، از این موارد برای انجام گونه‌شناسی مساجد کردستان سود خواهیم برد.

۴. تعریف اندام‌های مبنایی گونه‌شناسی مساجد کردستان

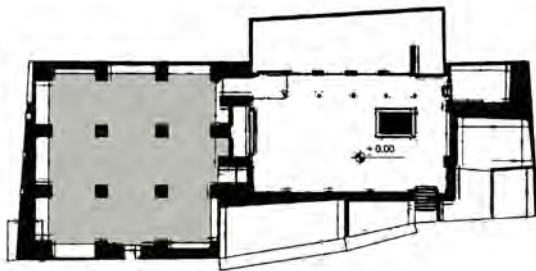
چنان که گفتیم، تحلیل‌ها و مطالعات رایج در حوزه مطالعات معماری تاریخی ایران، بیشتر معطوف به نواحی مرکزی

بوده و غلبه این نگرش، گاه منجر به تعمیم تحمیلی این مفاهیم به کل حوزه جغرافیایی فرهنگی ایران شده است. برای مثال، ممکن است اهمیت یک عنصر، اندام یا مؤلفه در آثار معماری شهر یزد، که منجر به ایجاد و شکل‌گیری گونه‌هایی متمایز شده و دارای نقشی حیاتی است، در معماری منطقه کوهستانی سردسیر یا معتدل معنای خود را از دست بدهد و کمکی به شناسایی انواع گونه‌های معماری این منطقه نکند. از این رو، بازتعریف برخی اصطلاحات و مفاهیم و همچنین تمرکز بر مفاهیمی که تنها در دستگاه مفهومی حوزه فرهنگی جغرافیایی مورد مطالعه حائز معنا هستند، ضروری است.

بنا به جدول ۱، بیشترین اندامی که کالبد مساجد محدوده مورد مطالعه را شکل می‌دهند به ترتیب شبستان، ایوان، راهرو و حجره هستند. در هیچ‌یک از مساجد تاریخی مطالعه‌شده، گنبدخانه وجود ندارد. بنابراین، در این بخش از مقاله، نگاهی به معنای شبستان، ایوان و راهرو می‌اندازیم. این اجزای کالبدی یا اندام‌ها، در کنار حیاط، مبنای اصلی گونه‌های مساجد تاریخی کردستان را تشکیل می‌دهند و ترکیب‌های مختلف این اجزای کالبدی و دگرشکل^{۱۲} های آن‌ها، گونه‌های مساجد تاریخی کردستان را شکل می‌دهند.

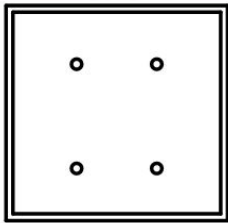
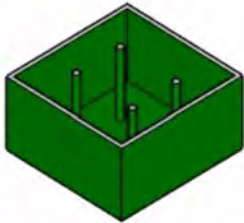
۴. ۱. شبستان

دهخدا، در معنای اول، به نقل از منابع تاریخی، شبستان را «شب‌خانه»، «خوابگاه» و «حرمسرای» می‌داند. همچنین، شبستان را بخشی از مسجد ذکر می‌کند که «درویشان و غیردرویشان در آن نماز خوانند و شب در آنجا می‌خوانند» و در معنای دوم، «آن قسمت از عمارت مسجد که از هیچ‌طرف باز نیست و دخول و خروج به آن از درهاست چون در شب‌های سرد نماز جماعت در آنجا خوانده می‌شود» (دهخدا ۱۳۴۱، ۲۲۰) را هم شبستان می‌نامد. در سفرنامه ناصر خسرو از واژه رواق به‌جای شبستان استفاده شده است. پیرنیا و معاریان نیز شبستان را به معنای «شب‌خانه» می‌دانند (پیرنیا ۱۳۸۸، ۳۸۲).^{۱۳} اگر شبستان جایی است که «شب در آنجا می‌خوانند» و «از هیچ‌طرف باز نیست»، می‌توان پنداشت که شبستان، فضایی است که اساساً قرار است. برخلاف گنبدخانه که معمولاً به‌واسطه ارتفاعش و گشودگی‌هایش و نیز ایوان که علاوه بر ارتفاع، سایه‌اندازی نیز دارد. فضا را چندان خنک‌تر از حد معمول نگه ندارد و حتی در حفظ گرما نقش ایفا کند. از این روی، هیچ عجب نیست که در مساجد منطقه کردستان که منطقه‌ای کوهستانی و سرد است، شبستان این چنین پررنگ باشد. به دلیل نیاز به حفظ ارتفاع کوتاه، ستون راه حلی مناسب و گاه اجتناب‌ناپذیر برای فضای «شبستان» است. نیز عجب نیست که مساجد این منطقه، ارتباط مستقیمی با فضای بیرون ندارند یا با پنجره‌هایی کوچک رو به بیرون دارند، یا فضاهایی که مانند واسطه گرمایی عمل می‌کنند، پیرامون آن‌ها را فراگرفته‌اند. اگر به معنای تاریخی شبستان نظر داشته باشیم، به این نتیجه می‌رسیم که نمی‌توانیم به سادگی هر فضایی را که مختص نماز خواندن در مساجد است، شبستان بنامیم.

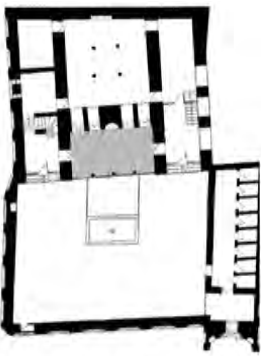


تصویر ۳: نمونه‌ای از شبستان ستون‌دار، مسجد بنکدارها، کرمانشاه

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد شبستان فضایی است که معمولاً برای محافظت در مقابل سرما مورد استفاده قرار می‌گیرد، و به عبارت دیگر، یا در «شب» که هوا سردتر است، به کار اقامت و عبادت و خوابیدن می‌آید یا در نواحی‌ای



تصویر ۴: شمایی از شبستان

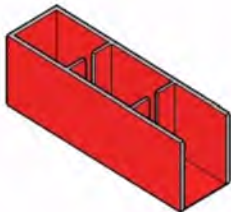


تصویر ۵: نمونه‌ای از ایوان در مساجد کردستان، مسجد رشید قلعه بیگی، سنندج

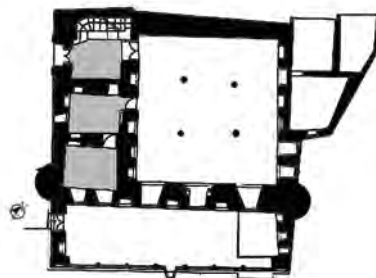
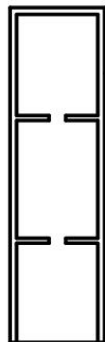
مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۱ - بهار و تابستان ۹۶

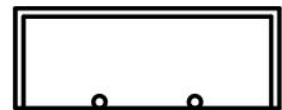
۱۱۳



تصویر ۸: شمایی از راهروهای جانبی حجره‌دار. این اندام می‌توانند حجره‌های بیشتر یا کمتر داشته باشند یا در انتهای خود، دسترسی عمودی را نیز تأمین کنند.



تصویر ۷: نمونه‌ای از یک راهروی حجره‌دار، مسجد دومناره سقز



تصویر ۶: شمایی از ایوان ستون‌دار که در بعضی مساجد و بناهای منطقه کردستان وجود دارد

که در آن‌ها آب‌وهوا و اقلیم به‌طور کلی سردتر از نقاط دیگر است، مانند کردستان و آذربایجان. شاید به همین دلیل باشد که در این نواحی، اندام شبستان بیش از سایر حوزه‌های جغرافیایی در مساجد غالب است.

۲.۴. ایوان و ستون‌آوند

در فرهنگ دهخدا، ایوان به «صفه و طاق، خصوصاً هلالی و محرابی»، «نشستگاه بلند که بر آن سقف باشد»، «خانهٔ پیش‌گشاده» و «طاق و نشستگاه بزرگان» معنا شده است (دهخدا ۱۳۴۲، ۵۹۹). اگر تعریف «خانهٔ پیش‌گشاده» را بپذیریم، به تصویری کمابیش روشن‌تر از معنای کالبدی ایوان دست می‌یابیم. اگر «پیش» یا جلوی «خانه» (اتاق) «گشاده» (باز) باشد، آن خانه (اتاق) بدل به «ایوان» می‌شود؛ به عبارت دیگر، بنا به این تعریف، ایوان فضایی مسقف است که از سه طرف بسته است. همچنین در واژه‌نامهٔ دهخدا، ستون‌آوند به «صفهٔ بلند» معنا شده است (همو ۱۳۳۹، ۳۱۷). پیرنیا و معاریان نیز ستاوند را به معنای «چهل ستون‌هایی که در سه طرف دیوار ندارند» و ستون‌آوند را به معنای «مکان‌هایی که فقط یک طرف آن ستون دارد» به کار برده‌اند (پیرنیا ۱۳۸۹، ۳۵۴). اگر تعریف پیرنیا و معاریان را بپذیریم، باید «ستون‌آوند» را نیز نوعی از ایوان بدانیم چون هم مسقف است چون ستون دارد، هم از سه طرف بسته شده است.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که هرچند «ستون‌آوند»، اصطلاحی نزدیک‌تر به فضاهای ستون‌دار سه طرف بستهٔ بعضی مساجد کردستان است، می‌توان آن را ایوان نیز دانست؛ زیرا ستون‌آوند نوعی خاص از ایوان است که در خصوصیات شکلی و سازه‌ای با آن تفاوت دارد. علاوه بر این، در گفتار روزمرهٔ محلی مردم منطقه نیز این فضاها را ایوان می‌خوانند.

۳.۴. راهروی جانبی

راهروهای مساجد حوزهٔ کردستان فضاهایی هستند که پیرامون شبستان، یعنی هستهٔ اصلی و بنیادین مسجد را فرامی‌گیرند و معمولاً در آن‌ها دو یا سه فضای جدا از هم که کاربری‌های گوناگونی را تعریف می‌کنند و آن‌ها را حجره می‌نامیم، تعبیه شده است. این اندام، پیرامون شبستان گسترش می‌یابد و ورودی به شبستان مساجد از طریق آن‌ها تعریف می‌شود. همچنین، این فضاها کاربری‌هایی چون فضای اقامتی و درسی طلاب، وضوخانه، آشپزخانه و دسترسی عمودی را نیز تأمین می‌کنند.

بدین ترتیب، همواره فضای شبستان، به‌خصوص در نمونه‌های بومی بدون حیاط مرکزی کردستان، خالص و خالی از عناصر کارکردی دیگر است. این قسمت از مسجد، از آنجایی که در مسیر ورود به مسجد و تعریف سلسله‌مراتب آن همراه است، نقشی تعریف‌شده در گونه‌شناسی مساجد حوزهٔ موردبحث دارد.

۵. بررسی نمونه‌ها

همان‌گونه که در ابتدای تحقیق ذکر شد، مبنای پژوهش حاضر در این دسته‌بندی، نحوه ترکیب اندام معماری است. برای دست‌یافتن به گونه‌شناسی موردنظر خود، در این بخش به مطالعه و بررسی نمونه‌ها پرداخته شده است.

۵.۱. مساجد شبستانی بدون حیاط

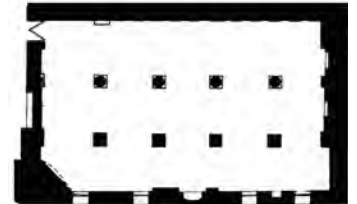
بنیادی‌ترین اندام مساجد منطقه کردستان که تنها با یک استثنا^{۱۵} در همه نمونه‌های مورد مطالعه قابل شناخت است، شبستان ستون‌دار است. به عبارتی، عنصر اولیه‌ای که مساجد این منطقه را تعریف می‌کند، شبستان ستون‌دار است. برخی مساجد مورد مطالعه، صرفاً از یک شبستان ساده تشکیل شده‌اند. این الگو از لحاظ کالبدی و اندامی، ساده‌ترین گونه مساجد این منطقه است که خود مبنای شکل‌گیری الگوهای دیگر است. مسجد عبدالله بن عمر که به استناد سازمان میراث‌فرهنگی استان کرمانشاه، از مساجد صدر اسلامی منطقه است، دارای این الگوست. مسجد روستای پالنگان، یکی دیگر از نمونه‌های این الگوست. دو نمونه ذکر شده دارای تیر و ستون‌های چوبی با سقف تیرپوش چوبی تخت است که شاخصه مساجد بومی منطقه به‌شمار می‌رود. بسیاری از مساجد روستاهای منطقه کردستان نیز از این الگو پیروی می‌کنند؛ نیز الگوی اولیه مسجد جامع پاوه و مساجد روستاهایی تاریخی چون اورامان تخت^{۱۶} و نگل^{۱۷} بدین شکل بوده است.^{۱۸}

شکل دیگر این الگو، شبستان ستون‌دار با طاق و قوس و گنبد و تکنیک‌های طاق‌زنی با مصالح آجریست. مسجد چهل‌ستون کرمانشاه (که بخشی از مسجد جامع کنونی کرمانشاه است) و مسجد دولت‌شاه کرمانشاه از دیگر انواع الگوی شبستانی ستون‌دار است.

در گونه بعدی، به الگوی شبستانی ساده، یک ایوان جنوبی، به‌انضمام راهرو یا راهروهایی در یک، دو یا سه طرف اضافه می‌شود که دارای فضاها و حجره‌هایی هستند. برخی حجره‌های این مساجد «اتاق فقیه» هستند که اتاق‌هایی برای آموزش بوده‌اند (زارعی ۱۳۹۴، ۱۶؛ Zarei 2010, 33). بعضی دیگر نیز مانند حجره میانی ضلع غربی مسجد دومناره سقر، حوض‌خانه هستند. برخلاف بسیاری از نقاط ایران، ایوان اصلی در این مساجد ایوان شمالی است که رو به جنوب گشوده می‌شود. این مسئله موجب می‌شود که حد انتهایی مسجد فضایی نیمه‌باز باشد؛ برخلاف الگوی رایج مساجد فارس، مرکز ایران، خراسان و تا حد قابل‌توجهی آذربایجان، که در آن‌ها حد انتهایی یا قبله مسجد درون فضایی بسته تعریف می‌شود. توپوگرافی و اقلیم نسبتاً سرد کردستان، دو دلیلی است که می‌توان آن‌ها را در پدید آمدن این الگو مؤثر دانست. اگر به این نکته توجه کنیم که بسیاری از روستاها و شهرهای کردستان در مناطق کوهستانی شیب‌دار واقع شده‌اند و نسبت به مناطق مرکزی ایران آب‌وهوای سردتری دارند، درمی‌یابیم که جهت‌گیری بهینه آن‌ها رو به جنوب است؛ یعنی اگر ضلع جنوبی آن‌ها باز شو داشته باشد، می‌توانند گرمای بیشتری دریافت کنند. همچنین اگر در منطقه‌ای کوهستان واقع شده باشد، جهت‌گیری رو به جنوب باعث ممکن است باعث شود بخشی از ضلع شمالی بنا با کوه یکی شود و حرارت کمتری از ضلع شمالی تلف گردد.

نکته قابل‌توجه در این گروه از نمونه‌های مورد مطالعه، این است که هیچ‌یک از نمونه‌های این گونه از مساجد کردستان بدون راهروی جانبی نیستند. همچنین ورودی هیچ‌کدام از این مساجد مستقیماً به شبستان باز نمی‌شود؛ درحالی‌که در مساجد پالنگان و عبدالله بن عمر، ریجاب ورودی مستقیماً به شبستان منفرد مسجد باز می‌شود. در راهروهای این مساجد، دسترسی عمودی (در صورت دو طبقه بودن بنا)، حجره‌های موردنیاز مسجد مانند آشپزخانه، وضوخانه و حجره طلاب تعبیه شده‌است. همچنین، همان‌طور که اشاره شد، با اضافه شدن این راهروها، ورودی نیز از سمت آن‌ها تعریف می‌شود. در مسجد تورجان،^{۱۹} نمونه شبستان ستون‌دار ایوانی با راهروی جانبی دیده می‌شود. در این نمونه، فضایی کشیده پشت شبستان (سمت شمالی مسجد) قرار دارد که کارکردی ارتباطی ندارد.

گونه دیگر که اندکی با گونه پیشین متفاوت است، الگوی مساجدی است که دارای شبستان ستون‌دار و ایوان به‌انضمام بیش از یک راهروی جانبی هستند. این الگو رایج‌ترین الگوی بومی مساجد منطقه کردستان به‌شمار می‌رود. مساجدی چون مسجد سمیران سنندج، خورشید خانوم لقا در سنندج، آویهنک^{۲۰} و دومناره سقر از این جمله‌اند. در برخی

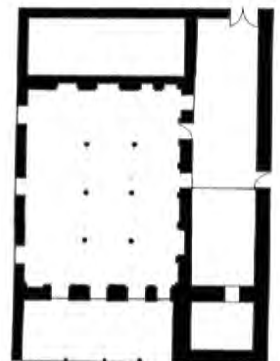


تصویر ۹: پلان سقف‌برداشته مسجد عبدالله بن عمر (Based on Zarei 2010)

مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۱ - بهار و تابستان ۹۶

۱۱۴



تصویر ۱۰: مسجد تورجان، ۱۳۵۸ق
(Based on Zarei 2010)

از این مساجد مانند سمیران، این راهروها در سه جانب شبستان قرار گرفته‌اند و جانب چهارم، ایوان ستون‌دار مسجد است. در نمونه‌های دیگر مانند مسجد خورشیدخانم سنندج و مسجد شیخ‌مظهر سقز، دو راهرو به چشم می‌خورند.



تصویر ۱۲: پلان مسجد وزیر (بر مبنای ترسیم زارعی، ۱۳۹۴)

تصویر ۱۱: پلان مسجد شیخ‌مظهر، سقز (اسناد سازمان میراث فرهنگی کردستان)

۲.۵. مساجد حیاط مرکزی دار

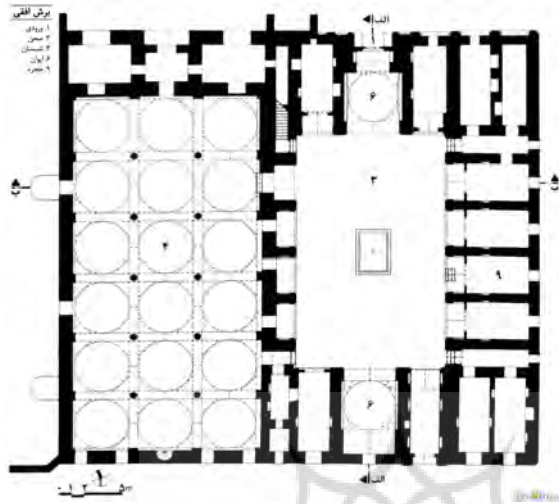
می‌توان حدس زد که الگوی این مساجد، حاصل هم‌نشینی الگوها و تکنیک‌های مرکزی ایران و الگوهای بومی منطقه کردستان است. از این هم‌نشینی، گونه‌ای متمایز و قابل تعریف پدید می‌آید که الگوی اکثر قریب به اتفاق مساجد دارای حیاط مرکزی شهرهای منطقه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد. در این گونه، شبستان‌های ستون‌دار، همچنان به عنوان اندام بنیادین مساجد منطقه، در یکی از اضلاع جای می‌گیرد و در سه ضلع دیگر حیاط، حجره‌هایی تعبیه شده است؛ گویی، همان حجره‌هایی که پیرامون شبستان ستون‌دار چوبی مساجد برون‌گرای کردستان جای می‌گیرند، در این گونه، در سه طرف حیاط مرکزی پراکنده شده‌اند.

اولین مسجد جالب‌توجه در این دسته، مسجد «ملا احمد قیامتی» است که گویی در الگویی مابین مساجد شبستانی بدون حیاط و مساجد حیاط مرکزی دار قرار می‌گیرد. این مسجد در کنار بازار واقع شده است و یکی از اضلاعش دارای چند حجره است؛ حجره‌هایی که در نمونه‌های دیگر در سه ضلع تکرار می‌شوند. ضلع شمالی مسجد هم مانند مساجد شبستانی بررسی شده دارای شبستانی ستون‌دار با ایوانی ستون‌دار است؛ و جالب‌آنکه راهرویی در ضلع غربی این شبستان قرار گرفته است. این الگو دقیقاً همان الگوی مساجد شبستانی بدون حیاط مرکزی است که این بار در جوار حیاطی قرار گرفته که یک ضلعش حجره‌دار است و حوضخانه‌اش، برخلاف نمونه‌هایی چون مسجد دومناره، در این حیاط واقع شده است.

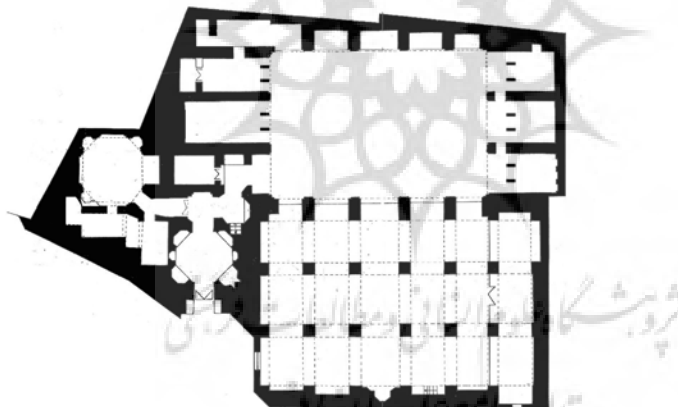
برخی از نمونه‌های این گونه را می‌توان مساجد جامع مهاباد و مساجد حیاط مرکزی دار شهر کرمانشاه دانست. این مساجد را می‌توان به دلیل وجود حجره‌های فراوان در آن‌ها «مسجد مدرسه» نیز نامید؛ چنان که زارعی در تحقیق خود درباره دارالاحسان سنندج، به این نکته اشاره می‌کند (زارعی ۱۳۸۷). مسجد جامع مهاباد در اواخر دوره شاه سلطان حسین صفوی و سال ۱۰۸۹ هجری قمری ساخته شده است (حاجی قاسمی ۱۳۸۳، ۱۰۴)، و این مسئله، قدمت این الگوی خاص مساجد در حوزه کردستان، یعنی مساجد حیاط مرکزی دار با شبستان و حجره‌های پیرامونی را تا دوره صفویه عقب می‌برد.^{۲۱} نکته قابل توجه این است که در مسجد مهاباد، بنکدارهای کرمانشاه و نیز دارالاحسان سنندج، شبستان در غرب قرار گرفته است. این، الگویی است که در مساجد دیگر مناطق ایران چندان به چشم نمی‌خورد.



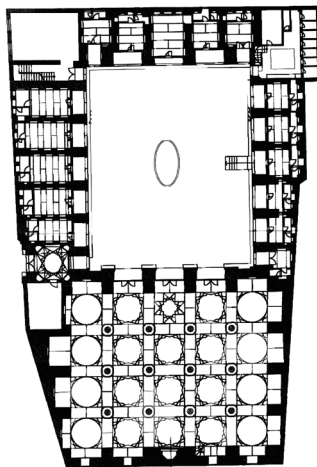
تصویر ۱۳: مسجد ملا احمد قیامتی سنندج (زارعی ۱۳۹۴)



تصویر ۱۴: پلان مسجد جامع مهباد (حاجی قاسمی ۱۳۸۳)

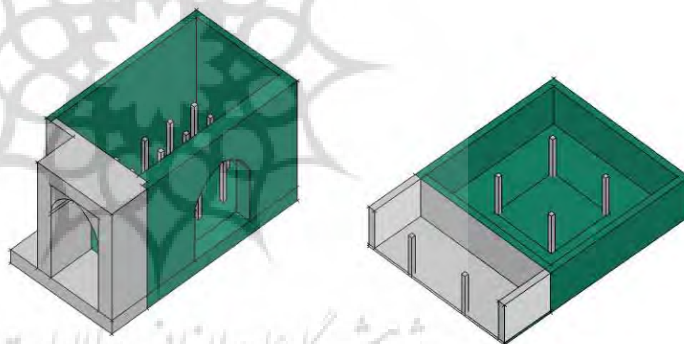


تصویر ۱۵: پلان مسجد معتمدالدوله کرمانشاه (استاد سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه)



تصویر ۱۶: پلان مسجد حاج شهیازخان (همان)

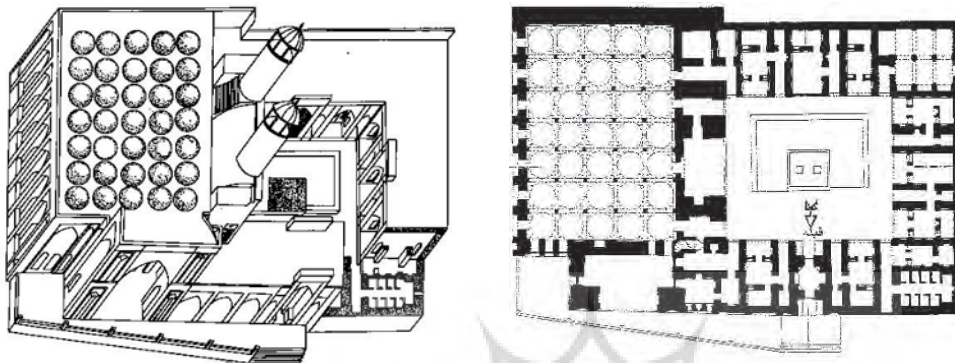
الگوی دیگری که شبیه به این گونه است، الگوی مساجدی است که در آن‌ها ایوان طاق‌دار- مانند مساجد نواحی مرکزی- نیز به جلوی شبستان اضافه می‌شود. نمونه‌های این گونه را می‌توان مساجد عمادالدوله^{۳۳} کرمانشاه و مسجد دارالاحسان سنندج دانست. نکته‌ی حائز توجه و بسیار مهم درباره‌ی دارالاحسان آن است که این مسجد دارای یک ایوان جنوبی رو به بیرون است؛ ایوانی که بر روی صدفه‌ای با یک و نیم متر ارتفاع واقع شده (کریمیان ۱۳۷۴، ۸۷) و پلکانی برای دسترسی از آن سمت مسجد به داخل شبستان وجود ندارد؛^{۳۳} با این حال، شبستان دارای دو در کوچک به سمت ایوان است؛ چینی که بی‌هیچ تفاوتی مشابه چینی فضاها‌ی مساجد بومی کردستان است. بدین ترتیب، ما شاهد وجود یک اندام شناخته‌شده در قاموس معماری ایران با نام «ایوان» در فضای بیرونی یک مسجد حیاط مرکزی‌دار با الگوی مشابه مساجد منطقه‌ی مرکزی ایران هستیم؛ الگوی که در هیچ‌یک از مساجد مرکز و حتی حوزه‌ی مورد مطالعه مشاهده نمی‌شود و به‌خوبی، نشانگر التقاط دو الگوی کاملاً متفاوت در فرهنگ معماری ایران است. معماران و استادکاران این مسجد هم متعلق به حوزه‌ی مرکزی ایران هستند؛ چنان‌که کریمیان در مقاله‌ی خود آورده است، مرمت‌کار دارالاحسان، استاد رمضان اصفهانی است؛ در حالی‌که استادکاران مساجدی چون آویهنگ و والی که نام آن‌ها در اسناد به‌جای مانده، کردستانی‌اند (همو ۱۳۷۶، ۲۰-۲۲).



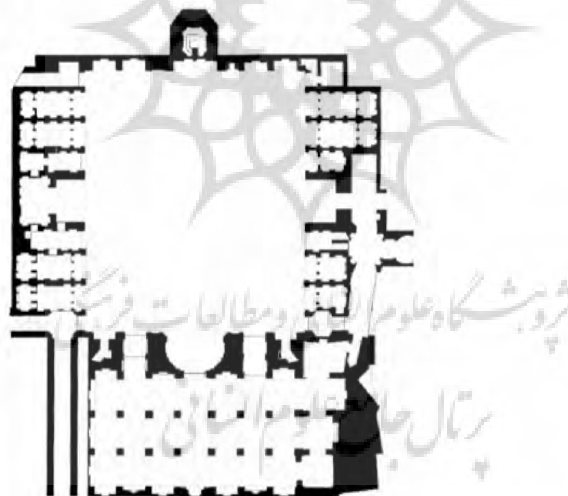
تداوم الگوی انتظام فضایی مساجد بومی کردستان در بخش اصلی (شبستان) مسجد دارالاحسان سنندج با صورتی شبیه به معماری ایران مرکزی

تصویر ۱۷: الگوی فضایی شبستان و ایوان دارالاحسان که بدون هیچ تفاوتی شبیه به نمونه‌های بومی این منطقه است. دسترسی از شبستان به ایوان جنوبی وجود دارد، حال آنکه به دلیل واقع شدن مسجد روی یک صدف و نبود پلکان به بیرون، هیچ دسترسی از ایوان به سمت بیرون وجود ندارد. بدین ترتیب، این ایوان «پیشخوان» یا «سردر» نیست و مشابه مساجد بومی منطقه، صرفاً یک ایوان است خارج از حیاط مرکزی مسجد

در این مسجد نیز برخلاف غالب مساجد مرکزی ایران، محور اصلی مسجد رو به قبله نیست و در شبستان غربی مسجد، که شبستان اصلی آن است، رو به جنوب نماز می‌خوانند. در این ضلع، یک ایوان نیز در سمت قبله وجود دارد که مشابه الگوهای مساجد بومی کردستان است. بنا به کتیبه و مستندات تاریخی موجود، این بنا از ابتدا مسجد مدرسه‌ای بوده که روی شالوده‌ی مسجدی از دوره‌ی صفویه بنا شده است (همو ۱۳۷۴، ۸۳). به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد که نهاد مسجد در منطقه‌ی کردستان، در بسیاری از مواقع، با کاربری مدرسه نیز عجین بوده؛ زیرا آن گونه که مشاهده شد، به‌غیر از مساجد گونه‌ی شبستانی منفرد، سایر گونه‌ها معمولاً- نه همیشه- دارای حجره‌هایی برای اقامت طلاب هستند. از این رو، با حضور حیاط مرکزی در مساجد این منطقه، الگوی مسجد مدرسه به‌شکلی دیگر بازتولید شده است. با این حال، همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، نباید از نظر دور داشت که نمونه‌های تحقیق- به‌استثنای یکی- مربوط به دوران قاجار به هستند.



تصویر ۱۸: پلان و سه‌بعدی مسجد دارالاحسان (کریمیان ۱۳۲۴)



تصویر ۱۹: پلان مسجد عمادالدوله کرمانشاه (اسناد سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه)

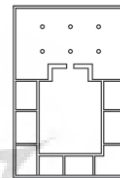
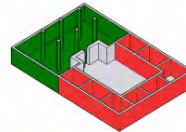
۶. جمع‌بندی گونه‌ها

جدول پیش رو، یافته‌های پژوهش را جمع‌بندی کرده است. ستون اول جدول، معطوف به گونه‌هاست که کلی‌ترین لایه‌های شناختی مساجد را تشکیل می‌دهند. گونه‌ها بنیادی‌ترین تفاوت‌ها را در خود تعریف می‌کنند و در مساجد کردستان، این تفاوت بنیادی را با بود یا نبود حیاط مرکزی تعریف کرده‌ایم. همان‌طور که پیش‌تر بیان کردیم، این مبنا معلول اهمیت حیاط مرکزی در تغییر دادن سازماندهی فضایی مساجد این منطقه است. لایه بعدی، زیرگونه‌ها^{۳۴} هستند که تفاوت‌هایی مانند تعداد اندام یا نوع استقرار آن‌ها را در هر یک از گونه‌ها معرفی می‌کند. لایه سوم که با نام «تغییرات» معرفی شده، درحقیقت تمایزهای خردتری است که ممکن است در هر یک از نمونه‌ها وجود داشته باشد و جدای از بحث گونه‌شناسی است. ستون چهارم، نمونه‌هایی از هر یک از گونه یا زیرگونه‌های تعریف شده را معرفی می‌کند و آخرین ستون، جایگاه آن گونه یا زیرگونه را در ارتباط با سایر گونه یا زیرگونه‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۲: جمع‌بندی گونه‌شناسی مساجد حوزه کردستان ایران

گونه	زیرگونه	تغییرات	برخی نمونه‌ها	گونه‌شناسی پیشنهادی	جایگاه در
	۱.۱ منفرد	۱.۱.۱ با مصالح بومی (چوبی و سنگی با سقف تخت)	پالنگان، عبدالله‌بن عمر	الگوی بنیادی اکثر قریب‌به‌اتفاق مساجد کردستان	
		۲.۱.۱ با مصالح بنایی (آجر و خشت و طاق و تویزه)	چهل‌ستون کرمانشاه، جامع بوکان	-	
		۱.۲.۱ با یک راهروی پیرامونی	تورجان، ملا احمد قیامتی	ساده‌ترین گونه پس از الگوی شبستان منفرد با اضافه شدن ایوان و راهروی حجره‌دار برای تأمین ورودی و کاربری‌های وابسته	
		۲.۲.۱ با دو راهروی پیرامونی	شیخ‌مظهر سقر، آوبهنگ، وزیر	-	
۱. شبستانی (بدون حیاط مرکزی)		۲.۱ ایوانی با راهرو	میرزا فرح‌الله	این الگو شبیه به الگوی دارالاحسان سندج است با این تفاوت که اولاً دارالاحسان حیاط مرکزی دارد، ثانیاً از ایوان شرقی میرزا فرح‌الله راهی به شبستان وجود ندارد و ثالثاً این الگوی دو ایوانی تنها در طبقه اول آن به چشم می‌خورد.	
		۳.۲.۱ دو ایوانی با راهرو			

۱.۲. با ایوان و حجره (مشابه راهروهای حجره‌دار)

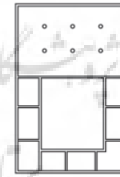
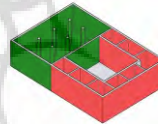


امتداد الگوهای پیشین با اضافه شدن حیاط مرکزی که باعث می‌شود حجره راهروها این بار در سه ضلع حیاط استقرار یابند

عمادالدوله، بنکدارها (هر دو در کرمانشاه)، و دارالامان سنندج (پیش از تخریب)

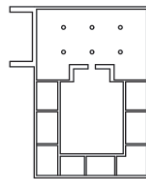
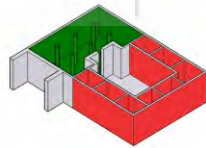
۲. حیاط مرکزی دار شبستانی (حجره‌دار)^{۳۵}

۲.۲. با حجره (مشابه راهروهای حجره‌دار)



جامع (سور) مهاباد، شازده، نواب، معتمدالدوله، حاج شهبازخان (همگی در کرمانشاه)

۳.۲. با ایوان خارجی و حجره (مشابه راهروهای حجره‌دار)



این مسجد در دو طرف ایوان دارای راهرو نیز هست، اما اهمیت و نقش آن به هیچ وجه قابل مقایسه با راهروهای گونه اول مساجد کردستان نیست.

دارالاحسان سنندج

نتیجه

در این نوشتار، نشان داده شد که مساجد منطقه کردستان، دارای الگوهای مشخص و قابل شناسایی هستند که آن‌ها را از مساجد سایر حوزه‌های فرهنگی ایران جدا و متمایز می‌کند. شبستان ستون‌دار، الگوی بنیادین این مساجد است که در پیچیده‌ترین الگوها نیز هم‌چنان حضور دارد.

حول این اندام بنیادین، یعنی شبستان ستون‌دار، اندام‌های دیگر گسترده می‌شوند و الگوی شبستان منفرد را بسط می‌دهند؛ مانند ایوان و راهروهای جانبی حجره‌دار. به عبارت دیگر، اگر معماری بومی مساجد منطقه کردستان را بررسی کنیم، ترکیب این سه اندام، یعنی شبستان، ایوان (معمولاً جنوبی) و راهروهای پیرامونی حجره‌دار، الگوی گونه اول مساجد کردستان را تعریف می‌کنند، گونه‌ای که تفاوت و تمایز بیشتری با الگوهای مساجد ایران مرکزی دارد. حضور ایوان رو به جنوب باعث می‌شود که برخلاف مساجد بسیاری دیگر از نقاط ایران، قبله و محراب و حد انتهای مسجد، در فضایی نیمه‌باز قرار داشته باشد. حضور گسترده ایوان ستون‌دار، شبستان ستون‌دار و جهت‌گیری ایوان اصلی مساجد به سمت قبله از دیگر خصوصیات کمابیش مشترک این مساجد است.

هیچ‌کدام از مساجد مطالعه‌شده در این گونه، دارای الگوی شبستان و راهرو (بدون ایوان) نبودند و همچنین هیچ‌یک دارای الگوی ایوان و شبستان (بدون راهرو) نیستند؛ به عبارت دیگر، حضور ایوان و راهرو در این مساجد کاملاً به هم وابسته است و حضور یکی بدون دیگری معنا ندارد. جست‌وجوی چرایی این مسئله خود می‌تواند موضوع تحقیقی مستقل باشد. الگویی دیگر (گونه دوم) هم در مساجد این منطقه قابل مشاهده است که تا اواخر دوره قاجار بی‌کم‌وکاست تکرار می‌شود: حیاط مرکزی‌دار با شبستان ستون‌دار در یکی از اضلاع، و حجره‌هایی در سه ضلع دیگر. به نظر می‌رسد که اولین بنایی که با این الگو در حوزه فرهنگی کردستان باقی مانده است، مسجد جامع (سرخ) مهاباد مربوط به اواخر دوره صفویه است. این مساجد، چنان‌که نشان داده شد، نوعی الگوی دیگرگون و گسترش‌یافته از مساجد شبستانی راهرو و حجره‌دار (گونه اول) هستند که گرد یک حیاط مرکزی نظم یافته‌اند. در برخی از آن‌ها مانند دارالاحسان یا دارالامان همچنان حضور دو راهرو در دو سمت ایوان به چشم می‌خورد. هر چند به نظر می‌رسد که این مساجد شباهت‌های بیشتری با مساجد نواحی مرکزی ایران دارند، با دقت در الگوی پلان‌های آن‌ها می‌توان دریافت که حتی این گونه نیز اولاً متأثر از گونه اول است و ثانیاً دارای تمایزات مشخصی با مساجد نواحی مرکزی ایران است. در این نوشته، مساجد کردستان را بنا به این تفاوت در الگو، به دو گونه کلی شبستانی و حیاط‌مرکزی‌دار شبستانی تقسیم کرده‌ایم. گونه اول شامل گونه‌هایی با راهروهای جانبی و ایوان ستون‌دار است، و گونه دوم، شامل مساجدی است که در آن‌ها بدون استثنا سه ضلع دارای حجره و یک ضلع شامل شبستان ستون‌دار وجود دارد. گونه دوم تنها در ویژگی‌هایی مانند جهت واقع شدن شبستان، یا وجود یک ایوان در ضلع شبستان‌دار و البته در یک نمونه، وجود ایوانی جنوبی به سمت بیرون با یک‌دیگر متفاوت‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این جدول، واژه حجره صرفاً به معنای اتاقی که از راهروها یا دیگر فضاها راهی به آن‌ها وجود دارد و کاربری‌ای غیر از تأمین دسترسی‌ها را فراهم می‌کند، به کار رفته است. هر چند ظاهراً اکثر این حجره‌ها متعلق به طلاب هستند، نمی‌توان از روی پلان یا وضعیت فعلی این بناها رأی به اقامتی بودن آن‌ها داد. ممکن است آن‌ها حجره سرایدار مسجد، وضوخانه، مطبخ یا حتی فضایی با کاربری‌های دیگر مانند قبرستان یا کاربری‌های چندگانه نیز باشند.
۲. مآخذ پلان‌ها و تصاویر جدول به ترتیب فراوانی، بدین قرارند: اسناد سازمان میراث‌فرهنگی کرمانشاه، بی‌تا؛ اسناد سازمان میراث‌فرهنگی کردستان بی‌تا؛ زارعی ۱۳۹۴؛ Zarei 2010؛ حاجی‌قاسمی ۱۳۸۴؛ نگارندگان.
۳. به نظر می‌رسد که الگوی دارالامان نیز مشابه الگوی دارالاحسان بوده است.
۴. این بنا در ظاهر دو ایوان دارد؛ اما هر دو ایوان ورودی بنا هستند و عرضشان نسبت به گشودگی ورودی چنان است که شاید حتی بتوان آن‌ها را دو دالان ورودی نامید. چنان‌که دیدیم، تعریف ایوان بر فضایی دلالت دارد که از سه طرف بسته باشد و از یک

طرف گشوده، اما فضاهای مورد بحث در مسجد جامع مهاباد به دلیل غلبه نسبی گشایش ورودی از یک سمت خود عملاً تنها از دو سمت بسته هستند و بنابراین با تعریف ذکر شده برای ایوان مطابقت ندارند. علاوه بر این، هیچ کدام از این دالان‌ها (یا ایوان‌ها) با شبستان ارتباطی ندارند و این نکته‌ای است که در دیگر نمونه‌ها دیده نمی‌شود. نکته قابل بحث دیگر این است که کشیدگی حیاط این مسجد مدرسه هر چند هم‌محور قبله است، شبستان مسجد مانند نمونه‌های دیگر در سمت جنوب حیاط قرار ندارد بلکه در سمت غرب آن واقع شده است؛ در حالی که می‌شود تصور کرد که شبستان مسجد به راحتی می‌توانست در سمت جنوب بنا یا حتی مانند برخی مساجد کردستان در سمت شمال آن و در امتداد کشیدگی حیاط قرار گیرد. نیز شبستان دارای یک ورودی جداگانه در سمت شمالی خود است. بنابراین، با توجه به استقرار نامتعارف شبستان، که ظن اضافه شدن بخش مدرسه را در تناسب با کشیدگی شبستان ایجاد می‌کند، و نیز وجود ورودی‌های جداگانه برای دو بخش مسجد و مدرسه آن، ممکن است مسجد و حجره‌ها (مدرسه) در یک زمان ساخته نشده باشند.

۵. پلان این مسجد حاصل برداشتی دقیق نیست و بدون ابزار اندازه‌گیری برداشت شده است؛ با این حال، ابعاد و تناسب کلی، بازشوها و الگوی کلی آن، که در این تحقیق بیش از هر چیز اهمیت دارد، درست است. همچنین در دو سال اخیر این مسجد تغییرات قابل توجهی را به خود دیده است؛ از جمله در قسمت ورودی، حوض وضوی پای دیوار، محراب بیرون زده آن، طاقچه‌ها و مصالح فضای داخلی آن و در و پنجره‌ها.

6. Laugier

7. Quatremiere De Quincy

8. Durand

9. Deming

10. Swaffield

11. Taxonomy

12. Variation

۱۳. در فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی به سرپرستی سید محمد بهشتی و مهرداد قیومی بیدهندی و فرهنگ مهرازی (معماری) ایران اثر بیژن رفیعی سرشکی، ندا رفیع‌زاده و علی‌محمد رنجبر کرمانی نیز برای واژه‌های شبستان، ایوان، راهرو و حجره، معنایی فزون بر آنچه در فرهنگ لغات عمومی وجود دارد، ذکر نشده است.

۱۴. به معنای اتاق

۱۵. مسجد عبدالله بیگ؛ احتمالاً به دلیل دهانه‌های کوچک شبستان آن

16. Owrāmān Taxt

۱۷. نگل (Negel) روستایی در ۶۵ کیلومتری غرب سنندج است.

۱۸. به نظر می‌رسد وضعیت فعلی این مساجد با وضعیت پیشین اصلی آن‌ها بسیار متفاوت است. به همین دلیل این مساجد در نمونه‌های مطالعه شده لحاظ نشده‌اند.

19. Toorjān

20. Āvīhang

۲۱. در همین دوران است که حکومت اردلان کردستان، به دلیل اختلافش با عثمانیان، اطاعت خود را از حکومت ایران اعلام کرده است (وقایع‌نگار کردستانی ۱۳۸۱، ۱۱۹) و در مجموع در دوره صفویه، هم خاندان اردلان قدرت بیشتری می‌یابند و هم حکومت مرکزی ایران روابط بسیار خوبی را با این خاندان برقرار می‌کند.

۲۲. در خاطرات دیوان بیگی، درباره مسجد عمادالدوله چنین می‌خوانیم: «ما را به مسجد عمادالدوله که بنای عالی بزرگی است و در آنجا به منزله مسجد سپهسالار در طهران است [بردند]. یک دستگاه ساعت هم همین‌طور دارد. تزیین باشکوهی در آنجا می‌خواندند. خود مرحوم حسام‌السلطنه هم بود. در بالاخانه جلوس کرده، سایر اعیان و شاهزادگان کرمانشاهان و کردستان و اجزای حسام‌السلطنه در ایوان بزرگی نشسته بودند» (دیوان بیگی ۱۳۸۲، ۱۰۳-۱۰۴). نویسنده در بخشی دیگر از کتاب، مسجد

دارالاحسان سندج را هم به مسجد مدرسه سپهسالار تهران همانند می‌کند: «[در سال ۱۳۱۷ ه.ق.] فرمانی در امضای آن رقم صادر کردم با یک حلقه انگشتری الماس ممتاز برای ملا عبدالرزاق، و تولیت مسجد دارالاحسان را که در کردستان به منزله مسجد سپهسالار طهران است از یک نفر مجتهد آنجا حجت الاسلام گرفته و برای پسر همان ملا لطف‌الله فرمان صادر کردم» (همان، ۲۳۴). تأکیدات ایرانیک از نگارندگان است.

۲۳. تنها دسترسی به این سکو از بیرون، دسترسی‌ای فرعی است که جلوی سردر مسجد تعریف شده و از طریق آن می‌تواند به ایوان نیز راه یافت.

۲۴. این واژه را از علم زیست‌شناسی وام گرفته‌ایم. زیرگونه (Subtype) نوعی تقسیم‌بندی زیست‌شناختی است که پس از گونه قرار می‌گیرد. مثلاً، یوز آسیایی و یوز آفریقایی دو زیرگونه یوزپلنگ هستند.

۲۵. این گونه شامل مساجدی است که شبستان‌های آن‌ها در غرب (دارالاحسان و جامع مهاباد) و جنوب (مساجد کرمانشاه) واقع شده است.

منابع

- بی‌تا. اسناد سازمان میراث فرهنگی شهر کرمانشاه.
- بی‌تا. اسناد سازمان میراث فرهنگی استان کردستان.
- پوپ، آ. ۱۳۷۰. معماری ایران. ترجمه غلامحسین افشاری‌صدر. تهران: فرهنگان.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۸. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- _____ . ۱۳۸۹. سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی سروش دانش.
- توحیدی، کلیم‌الله. ۱۳۶۶. حرکت تاریخی کرد به خراسان، تهران: توس.
- جعفری، مهین. ۱۳۸۰. معرفی دو نمونه از مساجد محله‌ای سندج، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی معماری مساجد-افق آینده، صص ۲۸۹-۲۹۸، تهران: دانشگاه هنر.
- حاجی قاسمی، کامبیز. ۱۳۸۳ الف. گنج‌نامه، دفتر ششم: مساجد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و روزنه.
- _____ . ۱۳۸۳ ب. گنج‌نامه، دفتر هشتم: مساجد جامع (بخش دوم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی و روزنه.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۴۲. لغت‌نامه (شماره حرف «الف»: ۸). زیر نظر دکتر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ . ۱۳۳۹. لغت‌نامه (شماره حرف «س»: ۱). زیر نظر دکتر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ . ۱۳۳۴. لغت‌نامه (شماره حرف «ش»: ۱). زیر نظر دکتر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- دیوان بیگی، حسین بن‌رضا علی. ۱۳۸۲. خاطرات دیوان بیگی (میرزا حسین خان) از سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۳۱۷ قمری (کردستان و طهران). به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت. تهران: اساطیر.
- زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۸۷. مسجد مدرسه دارالاحسان. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۹۴. گونه‌شناسی مساجد محله‌ای سندج در دوره قاجار، در: فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۱۹): ۲۸-۱۵.
- کریمیان، حسن. ۱۳۷۴. مسجد دارالاحسان، در: وقف میراث جاویدان (۹): ۸۲-۹۱.
- _____ . ۱۳۷۶. معماران، هنرمندان، کاروران و استادکاران عهد قاجار و آثار ایشان در سندج، در: اثر (۲۸): ۱۹-۳۹.
- کیانی، محمدیوسف. ۱۳۸۴. معماری ایران دوره اسلامی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- فریور، بهمن. ۱۳۸۰. کهن‌ترین مساجد کردستان ایران و چشم‌اندازی به عناصر معماری آن، در: مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی مساجد افق آینده، تهران: دانشگاه هنر.
- معماریان، غلامحسین. ۱۳۹۵. سیری در مبانی نظری معماری. ج ۱۰. تهران: سروش دانش.
- وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر. ۱۳۸۱. حدیقه ناصریه و مرآت‌الظفر در جغرافیا و تاریخ کردستان. تهران: توکلی.

- _ Deming, M.Elen, Swaffield, Simon .2011. *Landscape Architectural Research: Inquiry, Strategy, Design*. Hoboken, N.J: Wiley.
- _ Guney, Yasemin. 2007. Type & Typology in Architectural Discourse.BAU FBE Dergisi. Issue No.9. Pp. 3-18.
- _ Gunter, Michael. 2009. *The A to Z of the Kurds*. Plymouth: The Scarecrow Publications.
- _ Nebez, Jamal .2004. *The Kurds: History and Culture*. London: Western Kurdistan Association Publication.
- _ Madrazo Agudin, Leandro. 1995. *The Concept of Type in Architecture: A Inquiry into the Nature of Architectural Form*. Thesis for the degree of Doctor of Technical Sciences. Swiss Federal Institute of Technology.
- _ Rapaport, Amos. 1969. *House Form and Culture*. USA: Prentice-Hill Inc.
- _ Type. 2017. In *Oxford Advanced Learner's Dictionary*. Retrieved from: http://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/type_1?q=type [Visited: 8/19/2017, 13:15]
- _ Ungers, O. M. 1985.Ten Opinions on the Type. *Casabella*. 509-510: 93-95.
- _ Zarei, M.Ebrahim. 2010. Typology of Kurdištani Style Mosques in Iran in *JARS*. Volume 10. Pp 29-42.

